

خبر

رهبر معظم انقلاب، با غفو و تخفیف مجازات مجرمان موافقت کردند

جزئیات غفو و تخفیف مجازات ۲ هزار نفر از محکومان به مناسبت اعیاد قربان و غدیر

همزمان با اعیاد سعید قربان و غدیر خم، رهبر معظم انقلاب اسلامی با غفو و تخفیف مجازات بیش از ۲۰۰۰ محکوم موافقت کردند؛ اقدامی که به گفته معاون قضایی قوه قضائیه، عمدتاً منجر به آزادی زندانیان می‌شود و تنها افرادی که فاقد سابقه کیفری مؤثر، شاکی خصوصی و تهدید امنیتی باشند، امکان پرهیزداری از غفو و تخفیف مجازات خواهند داشت.

به گزارش ایسنا، حضرت آیت‌الله سیدمجتبی جاسینی خاتمی رهبر انقلاب اسلامی با درخواست رئیس قوه قضائیه، برای غفو یا تخفیف و تبدیل مجازات دو هزار نفر از محکومان محاکم به مناسبت عید سعید غدیر خم موافقت کردند.

حجت‌الاسلام والمسلمین غزالی در نامه خود به رهبر انقلاب اسلامی خواستار غفو یا تخفیف و تبدیل مجازات دو هزار نفر از محکومان محاکم عمومی و انقلاب، سازمان قضایی نیروهای مسلح و تعزیرات استانی شده بود.

در همین راستا، حجت‌الاسلام والمسلمین علی مظفری، معاون قضایی قوه قضائیه، در تشریح جزئیات این غفو گسترده اظهار کرد: به مناسبت اعیاد قربان و غدیر، بیش از ۲۰۰۰ نفر از محکومان دادگاههای عمومی، انقلاب، سازمان قضایی نیروهای مسلح و سازمان تعزیرات حکومتی، پس از بررسی در کمیسیون‌های غفو استان‌ها و کمیسیون مرکزی، در فهرست پیشنهادی غفو قرار گرفتند و این فهرست از سوی رئیس قوه قضائیه به محضر مقام معظم رهبری ارائه شد که مورد موافقت قرار گرفت.

وی با اشاره به خاصه‌های تعیین‌شده برای پرهیزداری محکومان از غفو افزود: افرادی که فاقد شاکی خصوصی و سابقه کیفری مؤثر باشند، بخشی از دوران محکومیت خود را سپری کرده و نشانه‌های اصلاح و تنبه در آن‌ها مشاهده شده باشد، در اولویت بررسی برای غفو قرار می‌گیرند.

حجت‌الاسلام والمسلمین مظفری بیان کرد: همچنین شرایط سنی، وضعیت خانوادگی و شرایط وقوع جرم نیز در تصمیم‌گیری کمیسیون‌ها مؤثر است. از این افراد کسانی که تقاضای برپایی شمول غفو دارند افرادی که واجد شرایط تشخیص داده شود طی لیستی آماده و به کمیسیون مرکزی ارسال می‌شوند.

معاون قضایی قوه قضائیه تأکید کرد: اصل در دستگاه قضایی، اجرای کامل مجازات‌هاست، اما در مواردی که در جریان اجرای حکم مشخص شود فرد به اصلاح رسیده و ابراه مجازات ضرورت ندارد، امکان برخورداری از غفو یا تخفیف مجازات فراهم می‌شود. حجت‌الاسلام والمسلمین مظفری در ادامه با اشاره به خطوط قرمز کمیسیون‌های غفو تصریح کرد: محکومان خارج‌الجایی، جاسوسی، اقدام امنیتی داخلی و خارجی کشور و افرادی هیچ عنوان شمول غفو نخوانده شد. همچنین پرونده‌هایی که دارای شاکی خصوصی هستند، زمان بازبایضات شاکی امکان پرهیزداری از غفو ندارند و عمدتاً این مجازات‌ها با هدف تأمین امنیت اعمال می‌شود. وی با اشاره به شرایط ویژه کشور گفت: در وضعیت فعلی که جمهوری اسلامی ایران درگیر جنگ تحمیلی با استکبار جهانی، آمریکا و رژیم صهیونیستی است، برخورد با جرایم علیه امنیت کشور با طایعیت کامل انجام می‌شود و این دسته از محکومان از تخفیف یا بخشودگی خارج هستند. معاون قضایی قوه قضائیه همچنین تأکید کرد که تصمیمات کمیسیون‌های غفو صرفاً بر اساس سوابق قانونی، معیارهای اعلامی و استناد بالادستی اتخاذ می‌شود و هیچگونه فشار، مطالبه یا مداخله خارج از چارچوب‌های قانونی در روند بررسی پرونده‌ها تأثیری ندارد.

وی افزود: با وجود محدودیت زمانی ناشی از تعطیلات و شرایط جنگی کشور، کمیسیون‌های غفو استان‌ها و کمیسیون مرکزی در صورت فشرده و مستمر تمامی پرونده‌های قابل بررسی/اراسیدگی کردند و در نهایت بیش از ۲۰۰۰ نفر واجد شرایط اخذ تخفیف یا بخشودگی شدند.

حجت‌الاسلام والمسلمین مظفری در پایان خاطرنشان کرد: یزیرگی مهم این مرحله از غفو آن است که بخش عمده محکومان شمول غفو پس از موافقت مقام معظم رهبری آزاد خواهند شد و پیش‌بینی می‌شود حدود ۲۰۰۰ نفر از زندانیان به آغوش خانوادگی‌های خود بازگردند. (گفتنی است در برخی موارد با بعد از شمول شدن محکومان افراد شامل کاهش مدت محکومیت میشوند و داخل زندان میمانند اما در مورد حدود دو هزار نفر بافاصله پس از غفو آزادی‌میشوند)

نمایندگان فاصله خود را با مردم کم کردند؟

نمایندگان فاصله خود را با مردم کم کردند؟

انتظارات مردم از نمایندگان در شرایط جنگی

۲ سال پیش بود که در روزهایی پر از وقایع تلخ و درگذشت ناگهانی رئیس دولت سیزدهم، در گرم‌گرم رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری، نمایندگان مجلس یازدهم کوله‌بارشان از سازختمان هرمی‌شکل بستند و کرسی نمایندگی را به مستاجران جدید سپردند. نمایندگان‌گی که در انتخاباتی با پایین‌ترین مشارکتی که امروز رقم خورده، سکندار مجلس شدند و در کوران رأی‌های باطله و صف‌های خالی رأی‌گیری در اسفندماه سال ۱۴۰۲، راهشان به میدان بهارستان رسید.



تجمعات گپ‌وگفت بیشتری داشته باشیم، اما با پاسخ منفی چند نفر رویه‌رو می‌شوم. به سمت چند پسر جوان می‌روم؛ یکی از آنان درخواستم برای گفت‌وگو را می‌پذیرد.

یکی از سؤالاتی که از مردم می‌پرسم این است که دکامبر از نمایندگان تهران را می‌شناسند؛ اما پاسخ‌ها عجیب و جالب است.

عرفان، پسر ۲۹ ساله، می‌گوید: «من فقط آقای قالیباف را می‌شناسم.» اما پس از نام بردن از برخی نمایندگان می‌گوید که آنان را نمی‌شناسد.

سحر، دختر دانشجویی است که با چشمانی که اشک در آن‌ها حلقه زده، پرچم خود را تکان می‌دهد. او نیز در پاسخ به خبرنگارانی می‌گوید که به غیر از قالیباف، هیچ‌کدام از نمایندگان پایتخت را نمی‌شناسد.

او می‌گوید تا پیش از آغاز جنگ، اخبار را پیگیری نمی‌کرده و الآن هم بیشتر از جنگ‌های مربوط به آقای قالیباف را پیگیری می‌کند.

محمد، مردی ۵۴ ساله، هم به خبرنگارانی می‌گوید: «از میان نمایندگان تهران، قالیباف، کوکابیان و علیرضا محبوب را می‌شناسم.» وقتی به می‌گوید کوکابیان و علیرضا محبوب از نمایندگان مجلس دهم بودند و الآن در مجلس دوازدهم حضور ندارند، می‌خندد و می‌گوید: این مجلس را پیگیری نمی‌کند و نام قالیباف را هم از تلویزیون شنیده است.

در مسیر بازگشتم، فکر می‌کنم و با خود حرف می‌زنم؛ البته، این است حکایت مجلس غریب با مردم و خواسته‌هایشان؛ این است مجلسی که نمایندگان حتی فرسنگ‌ها با جامعه خود فاصله دارند و مردمی که نمایندگان شهر خودشان را هم نمی‌شناسند و آن‌قدر دیگر اقدامات جناحی و سیاسی خود هستند که بی‌توجه به شرایط جنگی کشور، گویی با مردم غریبه هستند.»

نمایندگان در این دو سال خیلی دنبال حاشیه بوده و قانونی را که به نفع مردم باشد و به شرایط اقتصادی کمک کند، تصویب کردند. اما انتظار داشت مجلس هم مانند دولت دست به اقدام اقتصادی برای معیشت مردم بزند، از نمایندگان اظهار ناامیدی می‌کند.

مرد مسنی هم که در نزدیکی این حلقه قرار داشت، درخواست می‌کند تا با او هم گفت‌وگو کنم. خوش را می‌گویند حرفی جریس و کلس سال سن داشت. او می‌گوید در انتخابات مجلس شرکت نکرد و مدت‌هاست که از نمایندگان قطع امید کرده است. تأکید دارد که در شرایط جنگی، کشور باید انسجام ملی حفظ کند، اما نمایانگانی که فقط عهد می‌دهند، در طی این چند سال کاری کرده و مردم تک‌تک در این روزها هم فقط دنبال تسویه حساب‌های جناحی خود هستند. او از تندروها کلاه بردار و می‌گوید همان بهتر که صحن مجلس بسته بماند؛ چه فایده دارد که این همه هزینه برای برگزاری سرشود و مردم ناامید و خوارشان بویوش می‌زند و با آن‌ده می‌خواند: «غم این هفته چند، خواب در چشم ترم می‌کشند...» او از ویرسم در بین نمایندگان چندان نفق را نمی‌شناسد و می‌گوید: «فقط کار آقایان بدست است» بقیه را نمی‌شناسم...»

نمایندگان گمنام

کم تر ترفیق به اوج رسیده و انگار تجمعات خوروی به هم به تجمعات مردم افزوده شد است. بوق ماشین ها و صدای همراهی مردم با نوحه حسین طاهری که در حال پخش است، سبب می شود که صدا به صدا نرسد و شرایط را برای ضبط مصاحبه سخت تر می کند. مردم می خوانند: «پدرش علی در خیبرو کند... حالا نوبت قیام پسر... و قتشه شیعه تو مسجدالحرام... پرچم علی رو بالا ببر»

با این حال تلاش می کنم که با مردم حاضر در صحنه

شرایطی که وضعیت مالی به یک موضوع تهدید کننده برای مردم تبدیل شده، تلاش می کنند این کتاب خود را بفروشند و نانی را به خانه ببرند. مقابل شهر آکتاب از مردم و فرزندانشان می گم تا به سوا لآمده پاسخ بدهند. از چهارهواست معلوم بود که یکی از همان سلسله ضعیف (Z) هستند که مدت ها به تبدیل به قتل قهار مسئولان شده اند. سر صحبت به درباره مجلس می می شود، مردم جوان می گوید که برای او دوده و در انتخابات اسفندماه نیز شرکت کرده است. با این حال کلیه می کند که چرا مسئولان که این روزها باید سبده دسده می کنند، نمایندگان مجلس سز متفاوت خود را می دهند، به جای انجام کار می مردم، به مباحث حاشیه ای می پردازند. همسرش می گوید که فاطمه مادر، با تأکید بر حرف مردم جوان می گوید: «از ما انتظار داریم که مردم را به وضعیت می توانان آوری که ما آنان توهمی نگردد و حتی برای اقتصاد هم کاری نمی کند.» آن ها نیز در میان اعضای مجلس از اقدامات محمدا قالیباف تشکر می کنند می گویند به او بگویند: «دوم آقای قالیباف خیلی (می)»

لایه‌ها و وعده‌های انبارشده آقایان نماینده

هرچه ساعت به ۲۰ شب نزدیکتر می‌شود، دور میدان شلوغ‌تر شده و شعارها نیز بیشتر می‌شود. به سبب حلقه چند خانم می‌روم که به صورت ردیف رنر کنار هم برچهارمی ایران را تکان می‌دهند. تا سلام می‌کنم، توجهشان به مستم جلب می‌شود. اسم ایشان مریم بود و چند نفر دیگر نام خود را اسم کردند. برایشان توضیح دادم که چه کسی هستم و چه کار دارم. زنی که مریم نام داشت، گفت در انتخابات مجلس شرکت کرده و بر نگه رانی‌اش هم به محمدمدقار قزاقی و مریم قزاقی‌آهرازی را نوشته است. با این حال از مجلس انتظار ندارم که می‌گوید که

[illegible]

به میدان فاضل می‌رویم؛ سرم: حیوانات که بیش از ۹۱ شب در کنار دیوار دیگر شاهد حضور مردم در حمایت از کشور در برابر رژیم اسرائیل و آمریکا به ایران پیوسته است. ساعت نزدیک ۱۹ بعدازظهر است و کم‌کم پس دور میدان را برای مراسم پهن آماده می‌کنند. ابتدا صحن جاشویی می‌خواند: «لکینه به عرض شاهنشاهی ایران زمانه تاریخی است، چقدر آیه سوخته، چه روزگار، «نیراه» و پس از آن هم «تو رستم تهنمتی، بزنی که خوب می‌زنی» از بلندگوها پخش می‌شود. کم‌کم مردم، پرچم ایران به دست، گرد هم جمع می‌شوند و راهپایه‌ها، الکان بر سر می‌دهند.

مرد مسنی با پلارکد کارتنی که روی آن نوشته شده است: «در آن شرایط اقتصادی، مجلس جز تعطیل نیست!» و توجه را جلب می‌دهد، به سمتش رفته و کارت پلارکد را می‌گیرد. او به نشأ می‌دهم، از او درباره عملکرد مجلس می‌پرسد و می‌گوید ما توجه به شرایط خاص کشور، مجلس چه اقداماتی می‌تواند انجام دهد. مرد مسنی به چپ دارد، مشتاقانه درخواستش را قبول کرده و درخواستش برای افزایش مبلغ کالابرها می‌گوید. تأکید می‌کند که مجلس با سؤال کردن و استیضاح و پرسش و پاسخ و توجیه به ناهای قیضت کمک کند. از او می‌پرسد، می‌خواه نام چند نفر از نمایندگان را که می‌شناسد، نام ببرد و او از حمید ربایی، علی خضران، امیرحسین بنی‌شیر و محسن زنگنه روایت می‌کند که در مجلس خوب کار می‌کنند.

به علی می‌گویم مجلس با تصمیم شورای عالی امنیت ملی و برای حفظ امنیت نمایندگان تعطیل شده است. «نماینده صحن علنی حرم می‌آید و می‌گوید: «تعطیلی صحن علنی اشتباه است و نمایندگان حق دارند اعتراض کنند. دولت اشتباهات زیادی دارد و باید مجلس بر آن نظارت کند. چرا در این شرایط مجلس را تعطیل کردند تا دولت هر کاری دلش بخواد دهده؟ همین آقایان رسایی ثباتی حرف دل مردم می‌زنند و اگر این نمایندگان نبودند، مجلس بی‌حیثیت می‌شد.»

کمی جلوتر می‌روم. میدان هنوز آن‌قدر شلوغ نشده، اما ترافیک خودرویی شدیدی ایجاد شده است. دست‌فروش‌ها و مغازه‌ها هنوز باز هستند و در

سر مقاله

در هنگامه آتش، چه کسانی ایرانی ماندند؟!

ادامه از صفحه یک

ویژگی مهم این جریان، تفکیک میان «مخالفت با حکومت» و «مخالفت با ایران» است. آنان معتقدند که هیچ پروژه اصلاحی یا دموکراتیکی بر ویرانه‌های یک کشور آسیب‌دیده و ناامن شکل نخواهد گرفت.

بسیاری از هنرمندان خارج‌نشین نیز مخالفت نمود با جنگ را نشان دادند و برخی نیز به کشور بازگشتند و یا در تدارک بازگشت هستند.

در روزهای اخیر خبر بازگشت معین خواننده منگس شد و قیصر در جمع مردمان میدان، ترانه‌های ایران وطنی اجرا کرد.

بخش خبری خبرنگاران خارج‌نشین در گزارش‌های جنگ دلبستگی آنان به ایران را نشان می‌داد و تحلیل‌های مهربان فرهمند و همچنین عرب صالح زاویه‌شان با گفتمان اپوزیسیون برانداز را نشان می‌داد.

اما جنگ چهل‌روزه ایران دومی را نیز آشکار کرد؛ جبرانی که می‌توان آن را «براندازی به هر قیمت» نامید. این طیف معتقد بود که تضعیف جمهوری اسلامی، حتی اگر با مداخله نظامی خارجی همراه باشد، می‌تواند راهی برای تغییر سیاسی در ایران باز بگذشت. بخشی از فعالان رسانه‌ای، برخی چهارپایه سیاسی برانداز و شماری از هواداران تغییر رژیم به‌خصوص سلطنت‌طلبان در خارج از کشور در این اردوگاه راک گرفتند. آنان از فشار نظامی بر ایران استقبال کردند یا از فرصتی برای تحقق اهداف سیاسی خود دانستند.

متأسفانه برخی از اینان با به دست گرفتن پرچم رژیم کودک‌کش اسرائیل برای بمباران مدرسه دخترانه منیاب و پریر شدن بیش از ۱۶۰ نفر دانش‌آموز و بمباران زیرساخت‌های ایران از جمله پل (ا)، جشن و پایکوبی راه انداختند.

آنکه قابل تأمل آن است که جنگ، بیش از آنکه شکاف میان حکومت و مخالفان را برجسته کند، شکاف درون اپوزیسیون خارج از کشور را آشکار ساخت. برای نخستین بار در سال‌های اخیر، مرزبندی اصلی نه میان موافقان و مخالفان جمهوری اسلامی، بلکه میان «ایران‌ها و «براندازان» شکل گرفت؛ میان کسانی که ایران را اصل می‌دانستند و کسانی که تغییر حکومت را بر هر ملاحظه دیگری مقدم می‌شمردند.

نقد این میان، نقش‌های خونی‌روزمه‌نگاران و رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور نیز قابل توجه بود. جنگ نشان داد که رسانه‌ها صرفاً ناقل فکر نیستند؛ بلکه می‌توانند در شکل‌دهی به ادراک عمومی از منافع ملی و سبب ایران‌داری یا کشورشمار نقش‌آفرین باشند. همین مسئله موجب شد عملکرد رسانه‌های مختلف در معرض قضاوت و نقد جدی افکار عمومی قرار گیرد.

شاید مهم‌ترین دستاورد سیاسی جنگ چهل‌روزه این بود که مفهوم «ایران» را دوباره به مرکز گفت‌وگوی ایرانیان بازگرداند. بسیاری از کسانی که سال‌ها حول موضوع حکومت، دموکراسی، حقوق بشر یا تغییر سیاسی بحث می‌کردند، ناگهان با پرسشی بنیادی مواجه شدند: اگر ایران نباشد، تکلیف همه این آرمان‌ها چه خواهد شد؟

جنگ در شرف پایان است، اما این پرسش همچنان باقی است. شاید تاریخ بعدها درباره پیروزی‌ها و شکست‌های نظامی داری کند، اما از هم‌اکنون می‌توان گفت که جامعه ایرانی یک واقعیت را روشن ساخته: جامعه ایرانی خارج از کشور بیش از آنکه به دوگانه حکومت و اپوزیسیون تقسیم‌شود، میان دو نگاه متفاوت به ایران تقسیم شده است: نگاهی که ایران را موضوع اصلی می‌داند و نگاهی که ایران را صرفاً صحنه تحقق یک پروژه سیاسی تلقی می‌کند.

و شاید مهم‌ترین میراث این جنگ، آشکارشدن همین مرزبندی باشد.

خبر

آیت الله آملی لاریجانی:

**انچه اراده ملت‌ها را تقویت می‌کند
درک عمیق از مسئله ولایت است**

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در پیامی تأکید کرد: امروز جهان اسلام در معرض فتنه‌ها و امتحانات سختی قرار گرفته است. آنچه اراده ملت‌ها را در برابر این ننگ‌ها تقویت می‌کند، ایمان به نصرت الهی و استعانت از ساحت ربوبی است و البته شرط اساسی برای توفیق در این مسیر، درک عمیق از مسئله حیاتی «ولایت» و التزام به آن است.

به گزارش ایسنا، به نقل از مرکز رسانه و روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در پیامی در شبکه اجتماعی خود عید غدیر را به محبین و متوسلین به اهل البیت (ع) در سراسر جهان تبریک گفت.

متن پیام آیت الله آملی لایحانی که به زبان های فارسی و عربی نوشته شده، به این شرح است:

«ماہ شریف ذی الحجۃ، روایتگر الہیاتی سیاسی-اجتماعی برای امت اسلامی و ملت بزرگ ایران است؛ از صبر، ایثار و ایستادگی در برابر ابتذالات عظیم دوران تا کمال یافتگی دین در غیر خم»

امروز جهان اسلام در معرض فتنه و امتحانات سختی قرار گرفته است. آنچه اراده ملت‌ها را برپا می‌کند، این نکته‌ها نیستند، ایمان به نصرت الهی و استعانت از ساحت ربوبی است و البته شرط اساسی برای توقیف در این مسیر، درک عمیق از مسئله کلیت «ولایت» و التزام به آن است.

تاریخ، این‌گونه عبرت‌آموز است؛ بسیاری از یغرم مشاهده معجزات عظیمی چون شکافتن دریا و یابودی فرعونیان، به دلیل عدم تفاه صلیح از حقیقت ولایت، با عیبی کمال درواری مستقیم الهی را غم کرده و به کفر گرایند. درواری از ولایت، بزرگ‌ترین دستاوردها را نیز اسب‌پذیری می‌دند.

عنایت مرمضان این دیار در همین امر نهفته است که با درک عمیق از حقیقت امتحان الهی، با صبر و تمسک به حقیقت ولایت ائمه اطهار علیهم السلام و خصوصاً بقیه اللّه الاعظم (عج)، چنین عزت و عظمتی را خلق نمودند.

معادلاتی که در حال تغییر است

از همسایگی تا قدرت‌سازی؛ نقشه جدید ایران در آسیا

۱. است. منطقه اوراسیا در سال‌های اخیر با تهدیدهایی نظیر تروریسم، مواد مخدر، جرائم سازمان‌یافته و بی‌ثباتی‌های ناشی از تحولات افغانستان تا تأکید اسکندر مومنی بر اینکه امنیت منطقه باید توسط کشورهای منطقه و مدخلات یکی از اصول ثابت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است، به مداخلات خارجی و سیاست‌های مبتنی بر استاندارد جهانی و گدانه نه تنها به رهیافتی، همکاری میان اعضای سازمان همکاری شانگهای می‌تواند به این رهبر مؤثرتر برای مقابله با تهدیدات فراملی کند. اشتراک دیدگاه‌های روسیه، چین، تاجیکستان، پاکستان و سایر اعضای ظرفیت قابل توجهی برای ای‌طالع‌آوری امنیتی و عملیاتی فراهم آورده است.

پیام راهبردی دیدارهای ایران با پاکستان و تاجیکستان

نخستین وزیر کشور ایران با هم‌تایان پاکستانی و تاجیکستانی از مهم‌ترین پیشکش به‌شمار می‌رود. روابط تهران و اسلام‌آباد طی ماه‌های اخیر وارد راه‌های نزدیک‌تر در حوزه‌های امنیت مرزی، مقابله با تروریسم و توسعه شده است. گفت‌وگوهای صورت‌گرفته میان دو طرف را می‌توان تلاشی برای مقابله با گروه‌های تروریستی و جلوگیری از ناآرامی‌های مرزی دانست. این همکاری‌ها دارد که امنیت مرزهای مشترک یکی از پیش‌شرط‌های توسعه تجارت میان دو کشور محسوب می‌شود.

شانگهای و نقش ایران در نظم نوظهور آسیایی

ن اخی ر نشان داده است که مرکز ثقل اقتصاد و سیاست جهانی به تدریج به

بران در اجلاس وزیران کشور سازمان همکاری شانگاهی در بیشکک، تهران برای تقویت دیپلماسی منطقه‌ای، گسترش همکاری‌های امنیتی و همسایگی به اهرمی برای افزایش نقش آفرینی در نظم نوظهور آسیایی

از سفر اسکندر سومنی، وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران، به پیشکدوایی وزیران کشور سازمان همکاری‌های منطقه‌ای ایران در چارچوب راهبردی کلان، و برقرار کردن تعقیب روابط با کشورهای منطقه ایران کرد. در سال‌های اخیر، است با تمرکز بر ظرفیت‌های همسایگی و همکاری‌های منطقه‌ای، بخشی از نتایج آن در تحولات بین‌المللی و فشارهای خارجی از طریق توسعه مناسبات است. می‌توان گفت، سازمان همکاری‌های منطقه‌ای که اکنون به یکی از مهم‌ترین می‌تواند به در اوراسیا تبدیل شده، بستری مناسب برای زبانی‌های سیاسی، امنیتی اعضا فراهم آورده است. حضور فعال ایران در این سازمان، به‌ویژه پس از از صحنه کنونی بر تقویت پیوندهای راهبردی با کشورهای مهم منطقه‌ای می‌تواند، برای ایران و سازمان همکاری‌های منطقه‌ای مرکزی بسیار می‌شود. کشور چین بر اهمیت دیدارهای دوجانبه در حاشیه اجلاس نشان می‌دهد؛ همچنین، برقراری ظرفیت‌های چندجانبه، همچنان بر توسعه روابط مستقیم و غیرمستقیم دارد؛ رویکردی که می‌تواند منافع سیاسی، اقتصادی و امنیتی و به همراه باشد.

محور مشترک همکاری‌های ایران و اعضای شانگهای

ن محوره‌های اجلاس بیشکک، بررسی چالش‌های امنیتی مشترک میان



سمت آسیا در حال حرکت است. در این میان، سازمان همکاری شانگهای به یکی از مهم‌ترین نهادهای مؤثر در شکل‌دهی به نظم جدید منطقه‌ای تبدیل شده است.

ایران با بهره‌گیری از موقعیت ژئوپلیتیکی ممتاز، ظرفیت‌های انرژی، شبکه‌های ترانزیتی و روابط تاریخی با کشورهای منطقه، می‌تواند نقش مهمی در این روند ایفا کند. حضور فعال در اجلاس‌های تخصصی سازمان همکاری شانگهای، از جمله نشست وزیران کشور، بخشی از تلاش تهران برای تثبیت جایگاه خود در ساختارهای نوظهور منطقه‌ای است.

از منظر راهبردی، اجلاس بیشک‌ک صرفاً یک نشست امنیتی نیست، بلکه عرصه‌ای برای نمایش اراده کشورهای عضو در جهت افزایش همکاری‌های منطقه‌ای و کاهش وابستگی به فرامای‌های خارج از منطقه محسوب می‌شود. در چنین فضایی، ایران می‌تواند با تکیه بر دیپلماسی فعال، همکاری‌های امنیتی، اقتصادی و ترانزیتی خود را گسترش داده و به یکی از بازیگران ارگزار نظم چندقطبی در حال شکل‌گیری آسیا تبدیل شود.